

@نگاه الهیاتی ما به ویروس کرونا

●استاد اصغر طاهرزاده

بسم الله الرحمن الرحيم

نگاه الهیاتی ما به ویروس کرونا

با توجه به این که پدیده‌ی کرونا این سؤال را به میان آورده که نگاه الهیاتی ما به آن چگونه و از چه زاویه‌ای باید باشد، نکاتی با رویکرد فلسفی به موضوع عرض می‌شود:

حادثه‌ها و مصائب می‌تواند بستر تحقق خلوص گردد، به خصوص که هیچ تجربه‌ای از خداوند بهتر از تجربه‌ی ایمان خالصانه در خطرات نیست، به همان معنایی که قرآن در وصف آن، واژه‌ی «دَعَا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» را به کار می‌برد و می‌فرماید: «فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ» (عنکبوت/65).

1- عقل در بستر طبیعی خود متوجه مخلوقیت عالم است و پایدار ماندن بر عهد عقلی در چنین بحران‌هایی اقتضا می‌کند که متوجهی خالق عالم و نقش او در چنین شرایطی باشیم. زیرا روح انسان نیاز دارد در بحران‌ها متوجهی امر والای عالم باشد تا قلب به سوی خورشید نظر کند.

2- خالق عالم به اعتبار آن که منشاء وجود عالم و موجودات است، خودش عین وجود است و بنا به گفته‌ی صدر المتألهین عین وجود، عین کمال، یعنی عین علم و حکمت و قدرت و سایر کمالات است. از این جهت می‌توان به خدا عشق ورزید و جهانی برای عشق ورزیدن پیدا کرد و از جهانی که قلب‌ها را می‌میراند، فاصله گرفت.

3- خالق عالم، خالق هر موجودی است با تمام لوازم و آثار وجودی‌اش. یعنی خالق هر کدام از ماست با تمام نسبت‌هایی که با اطراف خود داریم و خالق تمام ابعاد شخصیت ماست هر چند هر حله‌ی نوجوانی ما به جهت تقدّم هر حله‌ی کودکی‌مان در

ابتدا به ظهور نمی آید، ولی خداوند در اراده‌ی خود همه‌ی مراحل وجودی ما را با یک اراده خلق کرده، [2] هر چند مراحل شخصیت ما به تدریج ظهور می کند.

4- وقتی خداوند خالق وجود عالم است، تمام ابعاد وجودی عالم در قبضه‌ی اوست، به همان معنایی که فرمود: «وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ» پس رابطه‌ی مخلوق با خالقش که آن را خلق کرده، رابطه‌ای است که همه‌ی ابعاد مخلوق را در برگرفته و جدایی مخلوق از خالق از نظر تکوینی معنا ندارد، به خصوص اگر متوجه باشیم هویت مخلوق، هویت تعلقی است و مخلوق عین ربط به خالقش می باشد و «بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ» است و رسالت ما آن است که آن والا را بستاییم و در هیچ حادثه‌ای چشم از او بر نداریم. این جاست که روح می تواند خلوص را در صحنه‌های به ظاهر آشفته تجربه کند و در همه جا او را بیابد و اگر راه را نمی داند ولی هدف را گم نمی کند که باید پاسدار شعله‌ی مقدس بود و زندگی را در زیر آسمان سرنوشت قرار داد. راضی بودن به سرنوشت، فاصله‌ی میان انسان و خدا را پر می کند.

5- با توجه به نحوه‌ی ارتباط عالم وجود با خدا، خداوند در تمام مراحل عالم، حضوری مطلق و فعال دارد و اگر برگی از درختی فرو افتد از اذن و علم خدا خارج نیست «وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا» این آیه در واقع گزارشی است از نگاهی که هر اندیشمندی می تواند بدان دست یابد، از آن جهت که «وجود» در همه‌ی عوالم جاری است و متن عالم را پر کرده است و به حکم «إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْحُبُ بِحَمْدِهِ» همه چیز هوشمندانه در عالم حاضر است و هوشمندانه مدیریت می شود و هیچ هرج و مرجی در عالم وجود ندارد، حال چه آن چیزها مظهر جمال حق باشند و چه مظهر جلال او. با چنین نگاهی هیچ حادثه‌ای معنای ما را از زندگی به بحران نمی اندازد.

6- خالق عالم مطابق علم و حکمت خود دارای سنت ها و تقدیراتی است. حکمت الهی اقتضا می کند تا انسان ها را در شرایط خوف و جوع و ضررهای مادی و جانی امتحان بکند تا انسان ها در دل این سختی ها پرورانده شوند و شخصیت هایی که صابرند، صبرشان به ظهور آید [3] و در دل چنین سنتی است که اندیشه ها به کار گرفته می شوند تا از یک طرف راه های عبور از سختی ها شناخته شوند و انسان با عقلانیت خود در مورد عبور از سختی هایی که پیش می آید بیندیشد و رشد کند، و از طرف دیگر با توجه به آن که می داند عالم در قبضه‌ی خداوند است در رجوع به خداوند به راز وجودی آن سختی ها فکر کند که اگر آن سختی ها برای پرورش انسان هاست، مسیر صبر و مقاومت را در مقابل آن ها پیشه نماید و می باید که آن سختی با رحمت الهی هماهنگ است، و اگر در سنت «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ» (اعراف/ 94) می باشد در ازاء آن سختی ها و تهاجم هایی که به انسان ها و جوامع می شود، رجوع به حق نمایند و در محضر خداوند به تضرع آیند و با تضرع و توبه، مزاحمت های آن سختی ها را از سر خود کم کنند، به فکر توبه و تجدید نظر نسبت به آنچه انجام داده اند و در آن قرار دارند، بیفتند. اینجاست که جایگاه بلاهای طبیعی و غیرطبیعی روشن می شود بدون آن که گمان کنیم عالم از دست خداوند خارج شده – هر بلایی که می خواهد باشد – عمده بر خورد عقلانی از یک طرف

و برخورد الهیاتی از طرف دیگر با پدیده‌ای است که امروز به صورت کرونا ویروس به میان آمده است تا از یک طرف با عقلانیت خود جایگاه نظریات علمی و بهداشتی نادیده گرفته نشوند - اعم از جایگاه طب جدید و یا طب سنتی - و از طرف دیگر با الهیات خود طوری با آن پدیده برخورد کنیم که از راه‌های گشوده‌ی حضرت حق در این گونه مصائب بهره‌مند شویم و خود را دست‌بسته در مقابل آن ویروس احساس نکنیم و از برکات نگاه توحیدی جهت حضور در عالم محروم شویم به خصوص که حضرت جواد می‌فرمایند: «مَوْتُ الْإِنْسَانِ بِالذُّنُوبِ أَكْثَرُ مِنْ مَوْتِهِ بِالْأَجَلِ وَ حَيَاتُهُ بِالْبِرِّ أَكْثَرُ مِنْ حَيَاتِهِ بِالْعُمْرِ» مرگ آدمی به سبب گناهان بیشتر از مرگ به واسطه‌ی اجل است، و ادا‌می‌ی حیاتش به سبب نیکوکاری بیشتر از حیاتش به واسطه‌ی عمر طبیعی است.

7- معلوم است که خالق عالم و اقتضائات نظام احسن هستی برای هر مخلوقی جای و جایگاهی قائل است و تقدیرات انسان‌ها نیز از یک طرف وجهی از وجوه آن‌هاست و از طرف دیگر در نسبت با عالم، اندازه‌ای است مشخص شده و به همین جهت آموزه‌های دینی متذکر می‌شوند که مرگ و حیات انسان‌ها دارای اندازه‌های مشخص است و کسی را یارای عبور از مرگی که برای او مقدر شده‌است نمی‌باشد، هر چند خوب مردن و یا بد مردن را خود انسان‌ها برای خود شکل می‌دهند. قرآن می‌فرماید: «قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (طلاق / ۳) خداوند برای هر موجودی اندازه‌ای در عالم مشخص کرده و یا می‌فرماید: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (قمر / ۴۹) البته ما هر چیزی را به اندازه آفریدیم و نیز قرآن در آیه‌ی ۲۲ سوره‌ی حدید می‌فرماید: «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ» هیچ مصیبتی در زمین و نه در وجود شما روی نمی‌دهد مگر این که همه‌ی آن‌ها قبل از خلقت‌شان در کتابی بوده است و این امر برای خدا آسان است. با توجه به این امر می‌فرماید: «وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا وَ مَنْ يَرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَنْ يَرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ»؛ هیچ کس جز به فرمان خدا نمی‌میرد، که خدا مرگ را مقرر شده معین کرده است و هر کس پاداش این جهان را بخواهد از آن به او خواهیم داد. (آل عمران / ۱۴۵) و نیز می‌فرماید: «إِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يَسْتَقْدِمُونَ» (یونس / ۴۹) یا فرمود: «نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَ مَا نَحْنُ بِمُسْبِقِينَ.» (واقعه / ۶۰)

8- مهم آن است که به تقدیرات خود راضی شویم تا بهشتی در مقابل ما گشوده شود. به همین جهت حضرت علی u در دعای کمیل از خداوند تقاضا می‌کنند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي رَاضِيًا قَانِعًا» خداوند! ما را طوری بیروان که از قسمت‌هایی که برای ما مقدر کرده‌ای راضی و قانع باشیم. این یعنی خوب بودن به دست ماست ولی اندازه‌ی «بودن» ما در دنیا، در اختیار خالق عالم است؛ خودمان باید سرنوشت خود را تبدیل به نیکی کنیم به همان معنایی که قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَتْ حَتَّى يُعْزِرُوا مَا بَأْنَفْسِهِمْ» (رعد / ۱۱) یعنی نقش آموزه‌های دینی در این جا آن است که: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا» (انسان / ۳) تا معلوم شود انسان در تعالی بخشیدن به سرنوشت خود، دست‌بسته نیست و بلاها، خواب‌ها را بیدار و دل‌ها را متوجه‌ی خدا می‌کند تا جهت دفع این بیماری، منور به الهامات علمی شوند.

9- در مکتب صدر را متوجهی اتحاد عاقل با معقول هستیم و می‌دانیم معقول واقعی خداوند است با حضور همه‌جانبه‌اش، پس به حکم اتحاد عاقل با معقول می‌توان با حضور همه‌جانبه‌ی خدا در عالم، در عالم حاضر شد و مقهور هیچ مشکل و مسئله‌ای نبود و متوجه باشیم برای آن که یک پدیده را دقیق ببینیم نباید تنها به آن خیره شویم و از جوانب دیگر آن و نسبت‌های آن با اطرافش غفلت کنیم. در قضیه‌ی کرونا و ویروس بخشی از واقعیت آشکار شده و همه آن را می‌بینند ولی ابعاد دیگر آن را باید با نگاهی دیگر و در ساحتی دیگر درک کرد که حکمت الهیاتی در اختیار انسان می‌گذارد. قهر و غلبه‌ی آن و ویروس را همه می‌بینند، ولی وجوه دیگری که در نگاه توحیدی باید مد نظرها قرار گیرد، برای همگان هنوز منکشف نشده است.

10- راستی اگر کرونا و ویروس معنای زندگی ما را به هم ریخته و با نوعی پوچی و یأس در زندگی خود روبه‌رو شده‌ایم و شادابی و امید و معنای «بودن» را از ما گرفته؛ حکایت از آن ندار

د که سقف معنایی ما هنوز از زندگی کوتاه است که با بادی نابهنگام زیر و زبر می‌شود؟ چه شده است که مؤلفه‌های معنا بخشی که باید انسان‌ها را در طوفان‌ها به کمال برساند در این حادثه، بی‌رمق نمایان شده‌اند؟ جز این است که نیازمند توحیدی ناب هستیم که در همه‌ی عالم هم‌نوا با عالم هستی در تسبیحی قرار گیریم که افق زندگی را در مقابل ما می‌گشاید و ما در آن حالت می‌توانیم خود را به خدا بسپاریم؟

11- ما با به ظهور آمدن کرونا و ویروس با چه چیزی مواجه هستیم؟ چه نوع شخصیتی باید برای خود به میان آوریم تا مواجهه‌ای حکیمانه با آن پدیده داشته باشیم و بدانیم اموری مستور در میان است که ماورای آن چیزی است که علم پزشکی کشف کرده است و نباید وجود آن پدیده را در آن محدوده نگاه کرد؟ گویا باید در این میان به چیزی گوش داد که در عین آشکاری، پنهان است. سخن‌های بی‌بنیاد که به آغاز آغازها نظر ندارد، بیشتر پوشاننده‌ی حقیقت‌اند تا آشکارکننده‌ی آن. مگر وقتی آسمان را ابرهای سیاه می‌پوشاند و هوا طوفانی می‌شود، گمان ما آن خواهد بود که اینان جای خدا را تنگ کرده‌اند که در حضور کرونا و ویروس بیرسیم خدا کجاست؟ خداوند هر جا که زندگی هست، در آن جا حاضر است و آن جایی که انسان‌ها زندگی را گم می‌کنند، جایی است که ناله سر می‌دهند خدا مرده است. در حالی که وقتی زمستان بیاید دیوارهاست که سرد و بدون پوشش از لاله‌ها به ظهور می‌آیند و این نیز برای آن‌هایی که زندگی را می‌شناسند «بودن» دیگری است.

آری کرونا و ویروس، و ویروس خطرناکی است اما اموری از طریق مردم در این کشور در حال شکل گرفتن است و سنت‌هایی بنا است به ظهور آید که رویارویی با بحران‌های بس بزرگ‌تر را برای ما آسان خواهد کرد و متوجه می‌شویم انسان‌ها در همین بحران‌ها ابعاد متعالی‌شان طلوع می‌کند.

غرب هر چه بیشتر تلاش کرده تا خدا را از زندگی بیرون کند، بیشتر دچار سردرگمی شده. امر دینی و تفکر توحیدی در زندگی انسانی امری مقطعی نیست. اتفاقاً زندگی شهری، نظر به الهیات را بیشتر از گذشته ضروری می‌کند و در این رابطه زندگی مدرن برای عبور از بحران‌های آن نوع زندگی، ضرورت توجه به حقایق توحیدی را بیشتر می‌کند. در حالی که فرهنگ مدرن خدا را نه تنها غایب، بلکه از میان برداشته است و رابطه‌ی زمین و آسمان در این فرهنگ از بین رفته و حضور شرور دیگر جنبه‌ی الهیاتی ندارد و این همان سرگردانی ناامیدکننده‌ای است که بشر مدرن در بحران‌ها گرفتار آن می‌شود.

12- آن‌هایی که به جای به ظهور آوردن حضور خدا در عالم بر مبنای میل خود سخن می‌گویند، تعیین‌کننده‌ی هیچ حرکت اصلی در تاریخ نیستند. اینان به بهانه‌ی دوری از دینداری معشیت‌اندیش و نزدیکی به دینداری معرفت‌اندیش و تجربه‌اندیش، به شدت به دینداری معشیت‌اندیش در قالب دینداری برای شهر شدن نزدیک شده‌اند و در شهراندیشی خود متوجه‌ی انگیزه‌های پاک آن‌هایی که متهم‌شان می‌کنند به دینداری معشیت‌اندیش، نیستند.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

- [1] عنایت داشته باشید که مبنای ما در نگاه فلسفی بدیهیاتی است که هر انسانی آن را می‌شناسد و با ما همراهی می‌کند، در حالی که در نگاه کلامی، بحث دو باور در میان است و جدالی که پیش می‌آید و لذا معلوم نیست که مخاطب ما قانع شود، نهایتاً با سکوت خود بحث را تمام می‌کند. با این همه نباید نسبت به جایگاه علم کلام به عنوان سنگری برای دفاع از عقیده خود در مقابل کسانی که آن عقاید را انکار می‌کنند غفلت نمود.

- [2] فرمود: «وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ» (قمر/50)

- [3] قرآن در این رابطه می‌فرماید: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (بقره/155)